

دکتر رابرت یاربرو، رساله‌های یوحنا، جلسه ۳ - ۳ یوحنا: یادداشت‌هایی برای یک دوست مورد اعتماد، گایوس

من دکتر رابرت یاربرو هستم در حال تدریس در مورد رساله‌های یوحنا، تعادل زندگی در مسیح. این جلسه شماره ۳، رساله سوم یوحنا، یادداشت‌هایی برای گایوس، یک دوست مورد اعتماد است.

به مطالعه مداوم ما در مورد نامه‌های یوحنا خوش آمدید، و ما این سخنرانی‌ها را رساله‌های یوحنا، تعادل زندگی در مسیح می‌نامیم.

و تا الان، واقعاً در مورد اینکه تعادل کجاست صحبت نکرده‌ام، هرچند فکر می‌کنم چیزی که در موردش صحبت می‌کنیم با یک زندگی متعادل در مسیح سازگار است. اما در یک یا دو سخنرانی، در مورد تعادلی که در ذهن دارم صحبت خواهم کرد. اما فعلاً، دوست دارم این سخنرانی را با صحبت در مورد یوحنا سوم شروع کنم.

و یوحنا سوم به نوعی یادداشت‌هایی برای گایوس است. گایوس کسی است که مورد خطاب قرار گرفته است. و همانطور که به بررسی یوحنا سوم می‌پردازیم، فقط می‌خواهم به ما یادآوری کنم که یوحنا سوم بخشی از متون مقدس مسیحی، ۶۶ کتاب از کتاب مقدس، ۳۹ کتاب در عهد عتیق و ۲۷ کتاب در عهد جدید است.

و وقتی به کتاب کوچکی مثل رساله سوم یوحنا نگاه می‌کنیم، ضرری ندارد که به ما یادآوری کند کتاب مقدس در یک فضای بزرگ چیست، تا بتوانیم این کتاب کوچک را که ممکن است بسیاری از افراد کلیسا به دلیل موقعیت مکانی و اختصارش هرگز آن را نخوانده باشند، در آن جای دهیم. اما اگر به کل کتاب مقدس فکر خلاصه کنید. و عهد عتیق مقدمه‌ای PMEEC، PMEEC کنید، می‌توانید کل کتاب مقدس را تحت حروف برای انجیل است.

حالا خیلی بیشتر از این است. اما از نظر تحقق آن در عیسی مسیح، عهد عتیق برای مژده آمدن مسیح و کار نجات‌بخش او آماده می‌شود. چهار انجیل، تجلی انجیل هستند.

آنها نشان دهنده آمدن پسر خدا و کار او هستند. اعمال رسولان گسترش انجیل است. عیسی می‌آید، عیسی زندگی می‌کند، عیسی می‌میرد، عیسی قیام می‌کند، عیسی صعود می‌کند، و سپس کلام عیسی منتشر می‌شود.

و کتاب اعمال رسولان این داستان را روایت می‌کند. و اعمال رسولان بسط و گسترش خبر خوش است. سپس به رساله‌ها می‌رسیم.

و اینجا است که نامه سوم یوحنا را پیدا می‌کنیم. این یکی از نامه‌هایی است که وقتی آنها را کنار هم قرار می‌دهید، انجیل را از این نظر که چگونه در عمل به نظر می‌رسد، توضیح می‌دهد. اگر فقط انجیل‌ها و اعمال رسولان را داشتید، تصور آن ممکن است دشوار باشد.

این موضوع چگونه در شهرهای مختلف دنیای روم رخ داد؟ اما با کمک رساله‌ها، برخی از مسائلی که پیش آمد را می‌بینیم. برخی از شهرهایی را که تحت تأثیر قرار گرفتند می‌بینیم. می‌بینیم که چگونه رهبران رسولی

مختلف یا همکاران رهبران رسولی، انجیل را تعلیم دادند، چگونه به آن عمل شد، چگونه مورد استقبال قرار گرفت، با آن مخالفت شد و غیره.

بنابراین، رساله‌ها بسیار مهم هستند و رساله سوم یوحنا یکی از این رساله‌ها است. و سپس مکاشفه، تکمیل خبر خوش است. این کتاب درباره اتفاقاتی که در قرن اول رخ داده است، به ما می‌گوید.

این کتاب درباره چیزهایی به ما می‌گوید که در آینده و تا ابد اتفاق خواهند افتاد. بنابراین، به طور خلاصه می‌خواهیم به یاد داشته باشیم که هر کلام خدا بی‌عیب و نقص است. برخی ترجمه‌ها می‌گویند آزمایش شده.

و او سپری است برای کسانی که به او پناه می‌برند. بنابراین حتی یوحنا سوم کوچک، با پیام تا حدودی مبهمش، می‌توانیم بگوییم که آن کلام بی‌عیب و نقص است، و خدایی که کلام را به ما می‌دهد، سپری است برای کسانی که به او پناه می‌برند. پس بیایید در حالی که به سخنرانی‌هایمان ادامه می‌دهیم، برای دعا مکث کنیم.

پدر آسمانی، ما از تو به خاطر کلامت سپاسگزاریم. ما از تو به خاطر حفظ آن در طول قرن‌ها سپاسگزاریم. ما از تو به خاطر کمالی که در آن وجود دارد سپاسگزاریم، زیرا این کلام توسست، و تو کامل هستی، و تمام راه‌های تو کامل است.

از تو به خاطر محافظتت سپاسگزاریم و دعا می‌کنیم که با وقف خود به کلامت، سپر ما باشی. به نام مسیح دعا می‌کنیم، آمین. روش‌های زیادی برای تفسیر کتاب مقدس وجود دارد و من می‌خواهم رساله سوم یوحنا را به روشی بسیار ساده تفسیر کنم.

شروع می‌شوند F این یک راه دو مرحله‌ای است، و در انگلیسی، هر دو راه شروع می‌شوند، یا هر دو مرحله با اول دیدن است. مشاهده کردن. دیدن آنچه در آن زمان و آنجا بود.

یک نفر «جان» را نوشته است. یک نفر خیلی وقت پیش آن را نوشته است. ما قبلاً در مورد اینکه چه کسی ممکن است بوده باشد، چه زمانی ممکن است بوده باشد، و مناسبت آن چه بوده است صحبت کرده‌ایم، اما ما داریم به آن زمان و مکان نگاه می‌کنیم.

در این سخنرانی، من این کار را با خواندن متن انجام خواهم داد، و سپس در زیر آن، آنچه را که فکر می‌کنم می‌بینم، بیان خواهم کرد، و این ما را به مرحله دوم می‌رساند، مثلاً. شماره یک، ما می‌بینیم، ما مشاهده می‌کنیم. سپس نتیجه‌گیری‌هایی را بیان می‌کنیم که به [متن] آن زمان وفادار هستند. و آنجا برای اینجا و اکنون.

من قصد ندارم تمام نتیجه‌گیری‌ها را فهرست کنم، زیرا این یک فرآیند طولانی خواهد بود. من فقط چند نکته در مورد آنچه باید در مورد کتاب یوحنا سوم برداشت کنیم، بیان خواهم کرد. خلاصه آن به این صورت است.

در ابتدا به گایوس درود می‌فرستند و سپس از او تمجید می‌کنند. گایوس آدم خوبی بود و یوحنا او را تأیید می‌کند. در اینجا یک آدم بد هم هست که نامش دیوتریف است و یوحنا در مورد او سخنانی دارد.

سپس نصیحت پایانی و ستایش شخصی به نام دیمیتریوس وجود دارد، و سپس او خداحافظی می‌کند. اول سلام. این با رنگ زرد روی صفحه نمایش داده می‌شود.

از طرف پیر، به گایوس عزیز، که من او را به راستی دوست دارم. ای عزیز، و من قبلاً در سخنرانی قبلی گفته‌ام، از عزیز غافل نشوید. این یک کلمه بی‌اهمیت نیست.

این کلمه‌ای است که محبت نویسنده را نسبت به مخاطبش بیان می‌کند. ای عزیز، دعا می‌کنم که همه چیز برایت خوب پیش برود و از سلامتی برخوردار باشی، همانطور که روح سالم است، زیرا وقتی برادران آمدند و به حقیقت تو شهادت دادند، بسیار شاد شدم، زیرا تو در حقیقت گام برمی‌داری.

من هیچ شادی بزرگتری از شنیدن این که فرزندانم در حقیقت گام برمی‌دارند، ندارم. بنابراین، در اینجا چند مشاهده بر اساس آنچه در این کلمات می‌بینم، آورده شده است. اول از همه، توجه داشته باشید که این نویسنده، خود را «بزرگ» می‌نامد، و این کلمه‌ای است که پطرس در اول پطرس فصل ۵ آیه ۱ برای خود به کار می‌برد. او خود را یکی از بزرگان کلیسا می‌نامد، و این نامه را خطاب به رهبران کلیسا می‌نویسد.

یوحنا در اینجا خود را از بزرگان کلیسا نمی‌نامد، اما خود را از بزرگان نیز نمی‌داند. بنابراین، ظاهراً در عصر رسولان، رسولان می‌توانستند خود را از بزرگان یا رهبران کلیسا بنامند، اما نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که او خود را برتر نمی‌دانست. او می‌توانست از شاگرد محبوب بودن، حساسی سر و صدا کند.

او حداقل می‌توانست نام خود را بگوید، زیرا تا آن زمان، او می‌توانست جایگاهی داشته باشد. او مطمئناً، می‌توانست خود را رسول بنامد، اما او فقط خود را در میان کسانی که در کلیسا با عنوان شیخ قرار دارند قرار می‌دهد. ثانیاً، او می‌گوید، ای محبوب، دعا می‌کنم، و همچنین گفته شده است، که من او را به راستی به گایوس دوست دارم، و او گایوس را محبوب می‌نامد.

بنابراین، او از بسیاری جهات به ما یادآوری می‌کند که باید یکدیگر را دوست داشته باشیم. او به ما یادآوری می‌کند که چگونه عشق و دعا کارت‌های دعوت مؤمنان، عشق و دعا هستند. اکنون در طول سال‌ها متوجه شده‌ام که بسیاری از مسیحیان شهادت می‌دهند که در زندگی دعایی خود با مشکل مواجه هستند، که داشتن یک زندگی دعایی معنادار یا داشتن یک زندگی دعایی منظم را آسان نمی‌یابند، و با مشاهده می‌بینیم که بسیاری از اوقات مسیحیان آنقدرها هم دوست‌داشتنی نیستند، و گاهی اوقات می‌توانیم به زندگی خود نگاه کنیم و دوره‌هایی را ببینیم که در آنها عشق خدا را خیلی ابراز نمی‌کنیم، یا عشق خدا را احساس نکرده‌ایم، و وقتی عشق خدا را احساس نمی‌کنید، احتمالاً عشق خدا را زندگی نخواهید کرد، اما من این را می‌گویم زیرا می‌خواهم ببینیم اینجا چه اتفاقی می‌افتد.

نوعی میدان نیروی آگاه وجود دارد. آگاه کلمه یونانی به معنای عشق است، و همانطور که رساله سوم یوحنا را می‌خوانید، ممکن است بسیار نازک و بی‌هدف به نظر برسد، اما به شبکه ارتباطی بین نویسنده و فردی که برایش می‌نویسد توجه کنید. ظاهراً آنها سابقه‌ای دارند، یکدیگر را دوست دارند، با هم رابطه دارند و این چیزی است که با انجیل همراه است و فقط یک رابطه گرم و افقی نیست.

همانطور که در سخنرانی قبلی‌ام گفته‌ام، «معشوق» بیانگر عشقی است که خداوند به قوم خود دارد، و از آنجا که خداوند محبت خود را بر قوم خود قرار داده است، آنها او را می‌شناسند، او پدر آنهاست، و این به آنها جایگاه فرزندان، برادران و خواهران ایمانی می‌دهد. بنابراین، در اینجا نوعی فشرده‌ی زبان وجود دارد که به راحتی می‌توان از آن چشم‌پوشی کرد، زیرا زبان ساده‌ای است، در انگلیسی به دلیل تکرار آن تقریباً ناجور است، و ما به طور قطع نمی‌دانیم که چرا یوحنا به این سبک تکراری می‌نویسد. ما نمی‌دانیم که آیا به این دلیل است که زبان دیگری وجود داشته که زبان مادری او بوده است، و او به نوعی یونانی ابتدایی و تکراری می‌نویسد، زیرا شاید یک زبان عبری یا آرامی برای او بومی‌تر بوده است.

برخی در طول سال‌ها گفته‌اند که او بسیار مسن است و بنابراین توانایی زبانی‌اش به آن اندازه تیز نیست و انتخاب کلماتش به آن اندازه که اگر در جوانی بود، متنوع نبود. ما پاسخ این سؤالات را نمی‌دانیم، اما من از اینکه او این چیزها را تکرار می‌کند خوشم می‌آید، زیرا مشخص است که تأکید او بر کجاست و تأکید او در راه رفتن با مسیح بر رابطه‌ای با خداست که منجر به رابطه‌ای قوی با دیگران می‌شود و رابطه‌ای که در آن برای آنها دعا می‌کند. او دعا می‌کند که اوضاع برایش خوب پیش برود و همانطور که با روحش در سلامت است، در سلامت باشد.

بنابراین، یک نگرانی جامع برای گایوس وجود دارد. این فقط سلامت معنوی او نیست. در درجه اول فقط سلامتی او نیست.

سلامتی در دنیای باستان می‌آید و می‌رود. امید به زندگی ۲۵ یا ۳۰ سال بود و داروهای مدرن و تکنسین‌های فوریت‌های پزشکی و مراکز مراقبت‌های فوری و غیره وجود نداشت. برای مردم بسیار واضح‌تر بود که باید برای مرگ آماده باشید، زیرا به احتمال زیاد مرگ سال‌های زیادی از شما جلوتر نبود.

بنابراین، یوحنا هم از سلامت معنوی و هم از سلامت جسمی گایوس شادمان است، و این قطعاً مبنای برای ساختن انجیل سلامت جسمی بر اساس آن نیست، گویی یکی از والاترین آرمان‌های انجیل مسیحی، داشتن سلامت و شاید بخشیدن شفا بوده است. تمام جنبش‌ها بر اساس این آیه بنا شده‌اند، و یوحنا افقی را تصور نمی‌کند که در آن اگر مسیح را بشناسید، سلامت شما خوب خواهد بود، و اگر مسیح را دارید، می‌توانید بروید و به دیگران نیز سلامت عطا کنید. نکته سوم این است که این نکته‌ای در مورد یکی دیگر از کارت‌های دعوت انجیل است، و آن لذت بردن از درستکاری سایر مؤمنان است.

وقتی برادران آمدند و به حقیقت و درستکاری تو شهادت دادند، بسیار خوشحال شدم، زیرا تو واقعاً در حقیقت گام برمی‌داری. یوحنا فرض می‌کرد که گایوس زندگی مسیح‌گونه‌ای خواهد داشت، اما ظاهراً برخی افراد به جایی که جان هست آمده‌اند و به جان گفته‌اند: یوحنا، گایوس را می‌شناسی؟ جان می‌گفت بله، من گایوس را می‌شناسم، و او می‌گفت که زندگی‌اش با وفاداری به مسیح است. او زندگی خوبی را به معنای اطاعت از فرامین خدا، عشق به خدا، و پیروی از آنچه که شناخت مسیح به معنای آن است، سپری می‌کند.

و توجه کنید که یوحنا می‌گوید، و این نوعی زبان غیرمعمول است، او اینجا از یک صفت یا یک قید استفاده ترجمه شده است، وقتی شنیدم که شما در ایمان much در اینجا به extremely می‌کند، فکر می‌کنم مسیحی شکوفا می‌شوید، بسیار شاد شدم. بنابراین، عشق و دعا کارت ویزیت هستند، اما عشق و دعا می‌توانند خودخواهی‌های پرهیزکارانه باشند، و به خصوص اگر اوضاع برای شما خوب پیش برود، می‌توانید نسبت به دیگران احساس عشق کنید، و می‌توانید زندگی دعا داشته باشید، و خدا را شکر کنید که اوضاع برای شما خوب پیش می‌رود. اما یوحنا در شخص دیگری شادی می‌کند، و این مرا به یاد مسیح می‌اندازد.

می‌دانید، مسیح به خاطر دیگران آمد. او نیامد تا به او خدمت شود، بلکه آمد تا خود را در اختیار دیگران قرار دهد. و بنابراین، می‌دانید، این بخشی از شبکه‌ی روابطی است که در این نامه می‌بینیم.

نکته آخر در مورد سلام و احوال‌پرسی، او مؤمنان را فرزندان من خطاب می‌کند. من هیچ شادی بزرگتری از شنیدن این که فرزندانم در حقیقت گام برمی‌دارند، ندارم. حال، این موضوع وقتی جوان‌تر بودم برایم خیلی مهم نبود، اما با افزایش سن، می‌بینم که ما، چه اتفاقی می‌افتد وقتی با خداوند گام برمی‌داریم، و کاری را که او ما را به انجام آن فرا می‌خواند انجام می‌دهیم، و این می‌تواند یک والد خداترس باشد، یک دوست خداترس باشد، یک مسیحی در تدریس باشد، یک مسیحی در پزشکی باشد، یک کارگر باشد، هر چیز دیگری.

همه مسیحیان فراخوانده شده‌اند تا شاگردسازی کنند، دیگران را بسازند و به یادگیری درباره عیسی و پیروی از او تشویق کنند. بنابراین، لازم نیست حتماً کشیش یا کشیش باشید تا میراثی از شاگردسازی وفادارانه داشته باشید. اما چیزی که می‌خواهم ما را به آن تشویق کنم، تفکر در مورد یوحنا در اواخر زندگی‌اش است. صحبت در مورد شادی او از اینکه فرزندانش در حقیقت گام برمی‌دارند.

میراثی از وفاداری وجود دارد که هر چه بیشتر به خداوند وفادار باشید، بیشتر قدردان گام‌هایی هستید که در اوایل زندگی مسیحی خود برای یافتن وفاداری بیشتر برداشته‌اید. می‌دانید، وفاداری همیشه یک مبارزه است، و هر چه در ایمان جوان‌تر باشیم، کمتر در آن ریشه داریم و ثابت قدم هستیم، و بیشتر می‌توانیم از خود بپرسیم که آیا این ارزشش را دارد؟ آیا در مسیر درستی هستیم؟ به نظر می‌رسد که این [ایمان] بخش بزرگتر و بزرگتری از زندگی من خواهد شد. و این همان چیزی است که هست.

می‌دانید، خدا می‌خواهد ما را به روی خودش باز کند تا ما بیشتر و بیشتر از او لذت ببریم و حتی در او شادی کنیم. یاد می‌آید که اوایل زندگی مسیحی بزرگسالی‌ام، می‌پرسیدم: «آیا باید به کلیسا بروم؟» و بعد فکر می‌کردم، خب، می‌دانید، اگر به کلیسا بروم، نمی‌توانم پیاده‌روی کنم یا نمی‌توانم ماهیگیری کنم یا نمی‌توانم این کار را انجام دهم. و هر چه بیشتر در ایمان رشد می‌کردم، بیشتر درگیر کارهایی می‌شدم که شامل کلیسا و شامل خدمت به خلق خدا می‌شد.

اما زندگی من بهتر شد، ازدواج من بهتر شد و روح من بهتر شد. جان اینجا درباره سلامت گایوس و روح او صحبت می‌کند. بنابراین من می‌گویم که جان راز یک زندگی پربار را می‌دانست.

و من فکر می‌کنم او احتمالاً از قبل پیر بوده است، و فکر می‌کنم این ما را تشویق می‌کند که مشتاقانه منتظر پیر شدن باشیم. اما مشتاقانه منتظر پیر شدن در خداوند باشید و آگاه باشید که در حال ساختن میراثی هستید، و هر دهه که وفادار بمانید یا به دنبال یافتن وفاداری با خداوند باشید، شادتر خواهید بود. من این داستان کوتاه را تعریف می‌کنم.

فقط صحبت کردن در مورد این موضوع باعث می‌شود به زمانی فکر کنم که بچه بودم، و مرا به مزرعه‌ای فرستادند که پدر بزرگ و مادر بزرگ در آن زندگی می‌کردند. و آنها کشاورزان بسیار فقیری بودند. پدر بزرگ دو اسب داشت که با آنها کشاورزی می‌کرد.

او برای داشتن تراکتور خیلی فقیر بود. آنها لوله کشی داخلی نداشتند. و برای من، مثل یک سفر کمپینگ بود.

اما آنها افراد بسیار بسیار فقیری بودند. و به کلیسا می‌رفتند، و پدر بزرگ رهبر سرود کلیسا بود. و آن یک کلیسای کوچک روستایی بود، و او در جلو، بالای شمشیری در کنار، می‌ایستاد، و شاید 10 نفر در گروه کر بودند.

و او سرهمی می‌پوشید که نشانه‌ای از یک کشاورز غیر ثروتمند بود. و او رهبری گروه سرود را بر عهده داشت، و دستش کاملاً آرتروز داشت. او دست بزرگی داشت، اما کاملاً کج شده بود.

او هنوز گاوها را می‌دوشید، اما رهبری سرود را بر عهده داشت. و بعد از اینکه گروه کر مرخص می‌شد، همه «به جای خود می‌رفتند و این سرود را می‌خواندند که می‌گفت: «هر روز با عیسی شیرین‌تر از روز قبل است.» و بعد چیزی شبیه به این، «هر روز او را می‌شناسم»

من او را بیشتر و بیشتر دوست دارم. عیسی مرا نجات می‌دهد و نگه می‌دارد، و او کسی است که من برایش زندگی می‌کنم. هر روز با عیسی شیرین‌تر از روز قبل است.

و پدر بزرگم حدوداً شصت و چند ساله بود، و به نظرم مثل متوشالچ می‌آمد، مثلاً شاید ۸۰ یا ۹۰ سال سن داشت. حالا من ۷۱ ساله هستم، و او الان به نظرم به آن اندازه که آن موقع پیر به نظر می‌رسید، پیر نیست. اما واقعاً اینطور نبود، انگار یک آهنگ ساختگی بود.

و من فکر کردم، چطور ممکن است در دهه شصت زندگی‌ات باشی و بگویی هر روز با عیسی شیرین‌تر از روز قبل است؟ در کودکی، این حرف اغراق‌آمیز به نظر می‌رسید. اما حالا که بزرگتر شده‌ام، و مرگ مردم را می‌بینم، و برای مردم مراسم تشییع جنازه انجام داده‌ام، و به مرگ خودم فکر می‌کنم، به امید و شادی، شناخت خدا در مسیح، شیرین‌تر می‌شود. و این بخشی از این میراثی است که من در موردش صحبت می‌کنم میراث شاگردی وفادارانه، جایی که شما به دیگران اهمیت می‌دهید، و شاگردسازی در واقع فقط تشویق دیگران به ایمان به روش‌های ملموس است.

همه چیز فقط آموزش نیست. منظورم این است که آموزش بخشی از آن است، اما ما می‌توانیم بدون درس آموزش دهیم. می‌توانیم با مثال خود آموزش دهیم.

ما می‌توانیم با حرکاتی که انجام می‌دهیم به مردم کمک کنیم تا بدانند و تجربه کنند که ایمان به خدا از طریق ایمان به مسیح به چه معناست. بنابراین، این فقط در سلام و احوالپرسی بود و اکنون باید به ستایش گایوس بپردازیم. گایوس شخصی است که یوحنا به او نامه می‌نویسد و سخنان محبت‌آمیزی برای او دارد.

ای عزیزان، این کاری است که شما در تمام تلاش‌هایتان برای این برادران، هرچند غریب، انجام می‌دهید. بنابراین، این برادران، افرادی هستند که به هر کجا که یوحنا بود، آمدند و در برابر کلیسا به محبت شما شهادت دادند. ظاهراً گایوس آنها را پذیرفته و از آنها مهمان‌نوازی کرده است.

شما با فرستادن آنها به روشی شایسته‌ی خدا، کار خوبی انجام می‌دهید. این کلمه‌ای است که اتفاق می‌افتد؛ می‌تواند به معنی قبل یا جلوتر باشد، و pro، من می‌فرستم، Pempo. است propempe کلمه یونانی آن این، من آن را یک کلمه فنی می‌نامم، اما کلمه‌ای است که در رابطه با فرستادن افراد با آنچه برای انجام کارشان نیاز دارند، اتفاق می‌افتد.

نه فقط فرستادن آنها، بلکه، می‌دانید، شاید پول، شاید غذا، و سایر آذوقه‌هایی که برای دعوتشان نیاز دارند خوب است که آنها را به شیوه‌ای شایسته‌ی خدا به سفرشان بفرستید. زیرا آنها به خاطر نامی که نام مسیح است، رفته‌اند و چیزی از غیریهودیان نمی‌پذیرند و آنها کافر خواهند بود.

بنابراین، ما که مسیحی هستیم، باید از افرادی مانند این افراد، افرادی که برای مسیح به مأموریت می‌روند حمایت کنیم تا بتوانیم همکاری برای حقیقت باشیم. بنابراین، توضیحی که در اینجا می‌توان داد این است که به نظر می‌رسد خادمان سیار انجیل، افرادی که برای انجام کار انجیل سفر می‌کردند، اخباری را برای یوحنا، جایی که یوحنا است، در مورد گایوس، جایی که گایوس است، آورده‌اند. اما آنها قرار است به گایوس برگردند، و یوحنا آنها را تحسین می‌کند، و گایوس را تشویق می‌کند که از آنها در وظیفه تبلیغی‌شان حمایت کند.

این همان دیدن چیزی است که آنجاست. می‌توانیم از این استنباط کنیم، می‌توانیم بگوییم که وظیفه تبلیغ مذهبی بین همه مؤمنان مشترک است، و یادآوری این نکته ضروری ندارد که پس از قیام عیسی و قبل از عروج

او، او به پیروانش گفت: «تمام قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است. بنابراین، بروید و از همه قومیت‌ها شاگرد بسازید.»

ملت‌ها، اقوام و... همه اینها درست است. همه، همه جا. بروید و از همه، همه جا، شاگرد بسازید.

به آنها یاد بدهید که همه چیز را رعایت کنند، آنها را به نام پدر، پسر و روح القدس تعمید دهید و به آنها، یاد دهید که هر آنچه را که به شما فرمان داده‌ام، رعایت کنند. آن کلمه فرمان وجود دارد. و، هی، بنگرید. شاه جیمز می‌گوید، بنگرید، من همیشه با شما هستم، حتی تا پایان عصر.

این یک مأموریت عمومی برای همه مؤمنان است و همه ما می‌توانیم در آن نقشی داشته باشیم. همه ما نمی‌توانیم به جایی برویم که برای رسیدن به آنجا به کمک نیاز داشته باشیم، اما همه ما می‌توانیم در این رفتن، سهمیم باشیم، به این صورت که برای کسانی که می‌روند دعا می‌کنیم، از کسانی که می‌روند حمایت می‌کنیم. شاید خودمان هم برویم. بنابراین، می‌توانید ببینید که این ستایش گایوس در واقع یک ستایش مبلغانه است.

او از آنها به خاطر تلاش‌هایشان به نمایندگی از این افرادی که پلی بین یوحنا و گایوس هستند، تقدیر می‌کند. و او آنها را به خاطر صداقت پیامشان تحسین می‌کند. آنها به خاطر نام [خدا] زحمت می‌کشند.

ظاهراً او آنها را به اندازه کافی خوب می‌شناسد که بداند این افراد واقعی هستند. آنها شاید نیستند، آنها دردرساز نیستند. ما باید مراقب باشیم که در کار مسیحی از چه کسی حمایت می‌کنیم، زیرا تنها کاری که باید انجام دهید این است که به تلویزیون بروید و کانال‌های مختلف را تماشا کنید، و افرادی را خواهید دید که انواع کارها را به نام عیسی انجام می‌دهند و برای کارهایشان درخواست پول و حمایت می‌کنند.

و ممکن است مشروع باشد، و ممکن است کاملاً مشکوک باشد. بنابراین، گایوس از افراد مناسبی حمایت می‌کند که به دلایل مناسبی بیرون هستند. بخش سوم از رساله سوم یوحنا را «مقابله با دیوتریف» می‌نامم.

و یوحنا می‌گوید که من چیزی برای کلیسا نوشته‌ام. حال، این می‌تواند به دوم یوحنا و سوم یوحنا اشاره داشته باشد، یا می‌تواند فقط به دوم یوحنا اشاره داشته باشد، زیرا دوم یوحنا جایی برای کلیسا نوشته شده است. یا می‌تواند فقط اول یوحنا باشد.

من چیزی برای کلیسا نوشته‌ام تا به کلیسا کمک کنم به مسیر درست برگردد یا در مسیر درست بماند. اما او می‌گوید مشکل اینجاست. دیوتریف که دوست دارد خودش را در اولویت قرار دهد، مرجعیت ما را به رسمیت نمی‌شناسد.

این یوحنا، رسول مسیح است، اما کسی در کلیسا هست که اقتدار یوحنا را قبول ندارد. بنابراین، اگر من پیام، کارهایی را که او انجام می‌دهد، یعنی حرف‌های بی‌معنی و بی‌معنی علیه ما، مطرح خواهم کرد. و به این هم بسنده نمی‌کند، از پذیرفتن برادران امتناع می‌کند و کسانی را که می‌خواهند، نیز متوقف می‌کند و آنها را از کلیسا بیرون می‌کند.

پسر، کاش بیشتر در مورد اتفاقاتی که اینجا می‌افتد می‌دانستیم. اما واضح است که یک آدم بده وجود دارد. و. مخصوصاً اگر به متن اصلی نگاه کنید، آن کسی است که عاشق اول بودن است.

را هم دارد که به معنی «آنها» است. پس این «دیوتریف» آنهاست auton.

اونا عاشق دیوتریف هستن، مثل اینکه تو بیسبال یه ضربه زن تمام کننده باشه. اون بازیکن سنگین وزنشونه.

او کسی است که این گروه واقعاً او را تبلیغ می‌کنند. اما او نه مرجعیت یحیی را قبول دارد و نه مرجعیت رسولی را. و این اولین نکته من است.

افرادی که مرجعیت رسولی را نمی‌پذیرند، در کلیساها ظهور می‌کنند. این یک مشکل قدیمی است، زیرا داشتن یک تجربه ظاهری با انجیل آسان است.

اگر به کشورهای مختلف سفر کنید، این موضوع در کشورهای مختلف شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. من دیده‌ام که این موضوع در جاهایی که پول زیادی وجود ندارد، به شکل دیگری بروز می‌کند. و اغلب، هر جا که مسیحیان حضور دارند، منابعی هم وجود دارد.

خارج فرستاده شده باشند و شاید منابعی داشته باشند. آنها کتاب مقدس توزیع می‌کنند، یا شاید دارو دارند. نشانه‌هایی از یک اقتصاد مولد در جایی دیگر در منطقه یا در جهان وجود دارد که آنها سعی در گسترش نعمت خدا دارند.

پیام نعمت خدا و جنبه مادی نعمت خدا. و افرادی هستند که این را می‌بینند و می‌خواهند بخشی از آن باشند، اما ممکن است نخواهند قلبشان تغییر کند. آنها ممکن است بخش مادی نعمت را بخواهند.

و لزوماً من مقصر این نیستم، چون اگر من خیلی فقیر هستم و راهی می‌بینم که شاید بتوانم عضوی از یک آژانس یا سازمان امدادی شوم که کارهای خوبی انجام می‌دهد، چرا به آن ملحق نشوم و کار خوبی انجام ندهم؟ و شاید من باهوش باشم. شاید من قوی باشم. شاید آنها بگویند هی، ما تو را استخدام می‌کنیم تا به ما کمک کنی.

شما زبان اینجا را می‌دانید و می‌توانید در انجام این خدمت به ما کمک کنید. خب، مردم وارد خدمت می‌شوند. و ممکن است خداوند را نشناسند. و به نظر می‌رسد این همان اتفاقی است که برای دیوتریف افتاد.

دیوتریفیس به نحوی خودش را به زندگی جماعت رسانده و عزیز دل مردم شده است. آنها او را دوست دارند. او قهرمان آنهاست.

و او عاشق شهرت و اعتبار است. آنها عاشق شهرت و اعتبارند. می‌دانید، فقط کمی تغییرش دهید.

آنها قدرت طلب هستند. آنها نفوذ طلب هستند. دیوتریفیس.

و شاید پول داشته. شاید استعدادهای رهبری داشته. شاید سخنان بزرگی بوده.

به انواع و اقسام روش‌ها، افرادی در کلیساها ظهور می‌کنند و پیروانی را به خود جذب می‌کنند. آنها افراد چشمگیری هستند. در طول این سال‌ها، من بارها و بارها این را در مورد افراد ثروتمند دیده‌ام.

افراد ثروتمند عادت دارند به دیگران بگویند چه کار کنند و دیگران ممکن است دوست داشته باشند کاری را که می‌خواهند انجام دهند، زیرا ممکن است به نفعشان باشد که بخشی از برنامه یک فرد ثروتمند باشند. اما مهم نیست چقدر ثروتمند باشید، اگر با آموزه‌های رسولان مخالف باشید، اگر با آموزه‌های مسیح مخالف باشید، این چیز خوبی نیست. و بنابراین، نکته دوم من در اینجا آن تأدیب کلیسایی است.

بنابراین، منظوم این است که در جماعت‌ها، شما باید نوعی اجرای شرایط رابطه با خدا و با یکدیگر داشته باشید. و در بسیاری از ساختارهای عضویت کلیسا، وقتی عضو می‌شوید، متعهد می‌شوید که مطیع اقتدار رهبران این کلیسا خواهید بود. و اغلب، می‌دانید، کلیساها نوعی بیانیه اعتقادی دارند.

بنابراین، یک بیانیه اعتقادی وجود دارد که برای همه افراد در آن گروه از کلیساها اعمال می‌شود. در آن محیط یک هسته رهبری وجود خواهد داشت. می‌توان گفت که آنها، بیانیه اعتقادی را اجرا می‌کنند.

آنها اطمینان حاصل می‌کنند که انجیل حقیقی موعظه شود و اگر مردم زندگی نامنظمی دارند، رهبران به آنها دسترسی پیدا کنند و به آنها کمک کنند تا زندگی خود را سر و سامان دهند. بنابراین، این همان چیزی است که یوحنا بیان می‌کند. او می‌گوید، اگر من بیایم، اگر او از هر جایی که هست آزاد شود، من آنچه را که او انجام می‌دهد، مطرح خواهم کرد.

منظوم این است که این اتفاق دارد جلوی چشم همه می‌افتد، اما ظاهراً او آنقدر نفوذ دارد که نمی‌توانند جلوی او را بگیرند. من کارهایی که او می‌کند را مطرح می‌کنم، حرف‌های بی‌معنی و بی‌معنی علیه ما. و نه تنها این، بلکه این کافی نیست.

او از پذیرفتن برادران امتناع می‌کند. بنابراین، افرادی هستند که یوحنا آنها را برادر می‌نامد. آنها به پیام و مأموریت رسولان وفادار هستند.

او جلوی آنها را می‌گیرد و جلوی کسانی را که می‌خواهند از آنها استقبال کنند می‌گیرد و آنها را از کلیسا بیرون می‌کند. بنابراین، این خیلی کوتاه است، اما بسیار نگران‌کننده است که ما کسی را داریم که در حال ایجاد اختلال و تغییر واقعی کل چهره کلیسا است. گاهی اوقات فکر می‌کنم مردم فکر می‌کنند کلیسای اولیه خالص بود و آنها قدرت انجیل را داشتند و معجزات انجام می‌دادند.

و می‌دانید، الان کجاست؟ و در واقع، اگر نوشته‌های ریز و رساله‌ها را بخوانید، هیچ چیز جدیدی زیر آفتاب وجود ندارد. از همان ابتدا، درست زیر بینی کسانی که توسط عیسی تربیت شده بودند، افرادی بودند که بی‌شرمانه قیام کردند و با کسانی که عیسی انتخاب کرده بود و با حضور خود آنها را برکت می‌داد، مخالفت کردند. و بنابراین، پاسخ یحیی واقعاً تجلی حضور عیسی است.

رقبای اقتدار رسولی، مانع از انجام مأموریت سلطه‌گرانه می‌شوند. منظور من از سلطه‌گرانه، اموری است که با عیسی مسیح، یعنی ارباب در لاتین، یا خداوند، یا کوریوس در یونانی، مرتبط هستند. عیسی مأموریتی دارد. و کلیسا مأموریت عیسی را به انجام می‌رساند.

و یوحنا و یوحنا گایوس و جماعت‌های آنجا وظیفه مادام‌العمری داشتند که در فیض و معرفت پروردگار و ناجی ما، عیسی مسیح، رشد کنند و پیام او را به اشتراک بگذارند و شاگرد تربیت کنند. و این مأموریت نمی‌تواند ادامه یابد وقتی کسی مثل دیوترفیس ظهور می‌کند. بنابراین اینطور فکر نکنید که خب، این یک مشاجره کوچک بین یوحنا و دیوترفیس است.

و چرا یوحنا نمی‌توانست با دیگران کنار بیاید؟ چرا یوحنا مهربان‌تر و بخشنده‌تر نبود؟ چرا یوحنا خونسردتر نبود؟ و در واقع، من تعدادی تفسیر در یک یا دو نسل گذشته خوانده‌ام، هر کسی که این کتاب را نوشته باشد، که بسیاری از محققان مدرن می‌گویند، خب، یوحنا آن را ننوشته است. یوحنا تبدیل به آدم بده می‌شود. یوحنا یک شخصیت مذهبی شکننده و خودبزرگ‌بین است، و دیوترفیس نوعی از این آدم خوش‌گذران است.

و او فقط می‌خواهد عشق و احساسات خوب وجود داشته باشد. و سپس جان صدای غرش را پایین می‌آورد و اتهاماتی را مطرح می‌کند، و او قرار است وارد شود. و مثل جان نباشید.

مثل دیوتریسیس باش و فقط، می‌دونی، توی کلیسا خوش بگذرون و خوش بگذرون. کلیسا برای همینه. و این چیزی نیست که یوحنا فکر می‌کنه برای اونه.

یوحنا فکر می‌کند که این به خاطر چیزهایی است که ما قبلاً در سخنرانی‌هایمان در مورد موضوعات الهیاتی، دیده‌ایم، صداقت در برابر خدا، رابطه با خدا، حفظ احکام خدا، شناخت عشق خدا، زندگی در حقایق خدا، پایبندی به آنچه خدا ما را به آن فراخوانده است، دوست نداشتن دنیا، نه چیزهای دنیا، که شامل اقتدار دنیوی و تحت تأثیر قرار دادن مردم می‌شود. بنابراین به پایان این کتاب کوچک از باب سوم یوحنا نزدیک می‌شویم، که در واقع سرشار از واقعیت زندگی کلیسا در هر نسلی است، زیرا ما دائماً می‌بینیم، اگر هوشیار باشیم، دائماً می‌بینیم که رقبایی برای اقتدار رسولی در کلیسا ظهور می‌کنند. بخش چهارم این دو آیه است، نصیحت و توصیه پایانی.

ای عزیزان، از بدی تقلید نکنید، بلکه از خوبی تقلید کنید. هر که نیکی می‌کند از خداست. هر که بدی می‌کند، خدا را ندیده است.

خوبی دریافت کرده است. ما نیز شهادت خود را اضافه می‌کنیم و شما می‌دانید که شهادت ما درست است. من در یادداشت‌های اینجا چیزی نمی‌گویم، زیرا همه چیز را خلاصه می‌کنیم، اما ممکن است دیمیتریوس این نامه را حمل کند، شاید بسته‌ای را حمل کند که در آن ۱ یوحنا، ۲ یوحنا و ۳ یوحنا باشد.

و، بنابراین همانطور که به گایوس می‌نویسد، یوحنا می‌گوید، دیمیتریوس، که برای ما به نوعی از آسمان می‌آید، اما اگر نامه یا بسته نامه‌ها را حمل می‌کند، آن را به گایوس می‌دهد، و می‌دانید، شاید او قبلاً هرگز دیمیتریوس را ندیده بود و او را مطمئناً نمی‌شناخت. بنابراین یوحنا او را ستایش می‌کند. او از همه، از خود حقیقت شهادت خوبی دریافت کرده است.

ما شهادت خود را اضافه می‌کنیم. شما می‌دانید که شهادت ما درست است. بنابراین در جایی که کلیسا در معرض خطر است، توسط دیوتریسیس در معرض خطر است، یوحنا ممکن است از تبعید این نامه را نوشته باشد.

مطمئناً دوران ظلم به کلیسا بود، حداقل اینجا و آنجا. همیشه این سوال وجود دارد: به چه کسی اعتماد می‌کنید؟ می‌دانید، من بخشی از یک برنامه آموزشی کلیسا بودم که در آن برخی از مردم محلی که ادعا می‌کردند به مسیحیت گرویده‌اند، واقعاً تغییر دین نداده بودند و به نوعی جاسوس کلیسا شدند. و بعد وقتی لحظه مناسب فرا رسید، به بسیاری از افراد کلیسا خیانت کردند.

و، کلیسا به آنها اعتماد کرده بود، اما معلوم شد که آنها قابل اعتماد نبودند. بنابراین در آن موقعیت‌ها می‌دانید، مردم باید حرف یکدیگر را بپذیرند که به چه کسی اعتماد دارند. و یوحنا می‌گوید، گایوس، حرف من را قبول کن، می‌توانی به دیمیتریوس اعتماد کنی.

در کلماتی که الان خواندم، می‌بینیم که یک هشدار وجود دارد: مراقب باشید از چه کسی تقلید می‌کنید. از بدی تقلید نکنید، بلکه از خوبی تقلید کنید. فکر می‌کنم در جایگذاری آیه ۱۱، این نشان می‌دهد که دیوتریسیس نمونه‌ای از چیزی شیطانی است.

و افرادی که از او حمایت می‌کنند، این خوب نیست. پس گایوس، مراقب باش که با چه کسی درمی‌آمیزی، از چه کسی حمایت می‌کنی، چه کسی را تحمل می‌کنی و چه کسی را تحمل می‌کنی. و او می‌گوید چرا

و این دومین مورد از نظر من است. از روی ثمرات آنها، می‌توانیم خوب را از بد تشخیص دهیم. هر که کار نیک انجام می‌دهد از خداست.

هر کسی که بدی می‌کند، خدا را نمی‌بیند. بعضی از مردم، حرف‌هایشان خیلی خیلی تأثیرگذار است. بعضی از مردم، زیبا به نظر می‌رسند، و همانطور که قبلاً گفتم، مهارت‌های رهبری دارند، و به نوعی مردم را جذب می‌کنند، و مردم ممکن است توجه نکنند که آنها واقعاً چگونه زندگی می‌کنند.

و یوحنا اینجا دقیقاً همان چیزی را که عیسی گفت تأکید می‌کند. به همین دلیل است که من از کلمه میوه‌ها استفاده می‌کنم، زیرا عیسی در موعظه بالای کوه گفت، از میوه‌هایشان آنها را خواهید شناخت. و این همان چیزی است که یوحنا اینجا تکرار می‌کند.

سوم، شهادت شما چیست؟ آیا شهادتی دارید؟ می‌دانید، در محافل مسیحی، بارها در ایالات متحده می‌گوییم که قرار است شهادت‌هایی داشته باشیم، و سپس مردم در مورد چگونگی روی آوردنشان به مسیح یا راه رفتنشان در مسیح صحبت می‌کنند. و به طور کلی‌تر، هر مسیحی سابقه‌ای از زندگی مسیحی خود دارد که می‌توانید به آن فکر کنید. می‌دانید، من چند سال است که مسیحی هستم؟ به کجاها کلیسا رفته‌ام؟ آیا در مهدکودک کار کرده‌ام؟ آیا مدرسه کتاب مقدس تعطیلات را رهبری کرده‌ام؟ آیا کسی را به سوی مسیح هدایت کرده‌ام؟ و این شهادت ما می‌شود.

اما در نهایت شهادت ما آن چیزی نیست که درباره دیگران می‌گوییم، یا ببخشید، آن چیزی نیست که درباره خودمان می‌گوییم. چون من می‌توانم ادعاهای بزرگی درباره خودم داشته باشم و فقط خودخواه باشم. یا می‌توانم فکر کنم کارهای بزرگی انجام می‌دهم، اما همسر من ممکن است بهتر بداند، یا فرزندانم ممکن است بدانند.

می‌دونی، پدر توی کلیسا خوب به نظر می‌رسه، اما در واقع توی خونه، آدم خیلی خوبی نیست. خب، دیمیتریوس از همه یه شهادت مسیحی گرفت. بقیه هم گفتن که این یارو مشروعه

و از خود حقیقت. این نشان می‌دهد که زندگی او مطابق با پیام انجیل و شخص مسیح بوده است. و یوحنا می‌گوید ما نیز شهادت خود را اضافه می‌کنیم.

بنابراین، وقتی به شهادت خود فکر می‌کنیم، فقط به این فکر نکنیم که وقتی پشت میکروفون شهادت می‌دهیم چه خواهیم گفت. آزمون واقعی این است که دیگران ما را چگونه می‌شناسند. و ما می‌توانیم خودمان را گول بزنیم، و اغلب این کار را می‌کنیم.

ما می‌توانیم بعضی وقت‌ها خیلی از آدم‌ها را گول بزنیم، اما نمی‌شود همیشه همه را گول زد. و آدم‌هایی که نزدیک‌ترین فاصله را با ما دارند، هیچ‌وقت نمی‌شود گولشان زد. چون شماره تلفن ما را دارند.

و ما نه تنها بر اساس شهادت خودمان به خودمان، بلکه بر اساس آنچه دیگران در مورد ما تأیید یا رد می‌کنند، در دینداری رشد می‌کنیم. و امیدواریم دوستان خداترسی داشته باشیم که در زمینه‌هایی که ممکن است با مشکلاتی مواجه شویم یا در مواردی که نیاز به توبه، تغییر و رشد داریم، آنچه را که باید بشنویم به ما بگویند. جان می‌گوید: خداحافظ.

خیلی چیزها داشتم که برای بنویسم، اما ترجیح می‌دهم با خودکار و جوهر بنویسم. امیدوارم به زودی تو را ببینم و رو در رو صحبت کنیم. درود بر تو

دوستان به شما سلام می‌کنند، یعنی مسیحیانی که یوحنا در آنجاست، به دوستان سلام کنید، یعنی مسیحیانی که گایوس در آنجاست، هر کدام به نام. بنابراین دو نکته. اول اینکه، نامه‌های عهد جدید انحرافات قابل خواندنی از حقایق و دغدغه‌های بزرگتر هستند.

او می‌توانست چیزهای بیشتری بنویسد. او می‌گوید وقتی کتاب یهودا را می‌خوانید، می‌خواستم در مورد یک نجات مشترک برای شما بنویسم، اما مجبور شدم در عوض بنویسم تا شما را ترغیب کنم که با جدیت برای ایمانی که زمانی به مقدسین داده شده بود، مبارزه کنید. بنابراین هر نامه عهد جدید، به یک محیط بزرگتر اشاره می‌کند که زمان یا مکان وجود نداشت.

همه اینها با دست نوشته شده بود، در یک طومار نوشته شده بود. شاید تا پایان دوره رسولان، آنها شروع به نوشتن به شکل کتاب کردند، اما شاید نه، زیرا آنچه که آنها در قرن اول به آن کدکس می‌گفتند، اختراع چیزی بود که ما آن را کتاب می‌نامیم. قبل از آن، همه چیز در طومار بود.

و بنابراین، فضای محدودی روی طومار وجود داشت، و زمان محدودی برای دیکته کردن وجود داشت، و توانایی محدودی برای نوشتن چیزی روی کاغذ وجود داشت. بنابراین او می‌گوید، چیزهای زیادی برای نوشتن دارم، اما حتی آنها را نمی‌گویم، زیرا امیدوارم به زودی شما را ببینم، و سپس رو در رو صحبت خواهیم کرد. ثانیاً، توجه داشته باشید که پیام انجیل دریافت شده و به اشتراک گذاشته شده، برای دیگران جذابیت ایجاد می‌کند.

ما کلمه «دوستان» را در آنجا می‌بینیم، و این کلمه‌ای از محبت است. پیام انجیل دریافتی، آرزوی رفاه دیگران را ایجاد می‌کند. این معنای صلح است.

درود بر شما. برکت و منفعت خداوند، شالوم عهد عتیق. باشد که با شما باشد.

نه اینکه مثل فیلم جنگ ستارگان، نیرو با تو باشد، بلکه شالوم، برکت خدا با تو باشد. و باز هم، دوستان به تو درود می‌فرستند. پیام انجیل حس هدف مشترک ایجاد می‌کند.

همچنین یک فیلم قدیمی‌تر در ایالات متحده به نام «دوستان» وجود داشت و همه چیز در مورد زندگی اجتماعی و ارتباطات این گروه از مردم بود. و این کلمه، کلمه بسیار خوبی برای اطلاق به جامعه مسیحی است. اثرات حضور مسیح، آنها محبوب هستند، آنها محبوب خدا هستند و خدا مسیح را از طریق پیام انجیل برای آنها فرستاده است و آنها ایمان آورده‌اند.

و بنابراین از طریق آن پیام، خدا در آنها ساکن می‌شود و آن حضور تأثیری دارد. و این تأثیرات، ارتباطات بین فردی را تقویت می‌کند. شما ممکن است یک مسیحی باشید که به دلیل ارتباط با افراد دیگر، ایمیل‌های زیادی دریافت می‌کنید.

و این ارتباط، پادزهری است برای چیزی که می‌شنویم امروزه به ویژه جوانان را در سراسر جهان مبتلا می‌کند و با رسانه‌های اجتماعی مرتبط است، و آن اضطراب و تنهایی است. و هرچه افراد از طریق وسایل الکترونیکی بیشتر با دیگران در ارتباط باشند، روحشان بی‌روح‌تر می‌شود. و ما حتی در مورد خودکشی و ناامیدی می‌خوانیم، و این از جانب افراد است، به ویژه در نوجوانان جوان‌تر، که میزان بروز آن به طور قابل توجهی در بین زنان جوان بیشتر از مردان جوان است.

اضطراب و تنهایی. این یک مشکل بین‌المللی است. اما حضور مسیح، ارتباطات بین فردی را تقویت می‌کند.

بنابراین، رفاه در میان مردم، دوستان، ارتباط، و این فقط برای لذت بردن انسان نیست، بلکه برای جلال خداست، و عمیق‌ترین لذتی را که روح انسان می‌تواند روی این زمین تجربه کند، با خود به همراه دارد. بنابراین متأسفم که مجبوریم خیلی زود بررسی این کتاب بسیار غنی از رساله سوم یوحنا را متوقف کنیم، و در سخنرانی بعدی‌مان، به رساله دوم یوحنا خواهیم پرداخت.

این دکتر رابرت یاربورو و آموزه‌های او در مورد رساله‌های یوحنا، متعادل کردن زندگی در مسیح است. این جلسه شماره ۳، رساله سوم یوحنا، یادداشت‌هایی برای گایوس، یک دوست مورد اعتماد است.